

ادامه از صفحه اول

منافع ایران و دموکرات‌های آمریکا

واقعیت این است که تفاوت حضور این دو حزب در کاخ سفید، با وجود اختلافات بنیادین جمهوری اسلامی و آمریکا در دو دهه اخیر، روشن‌تر از آن است که ناپدید گرفته شده و از کنار آن بی‌تفاوت عبور کنیم. از بهارک اوپاما که پدیده‌ای منحصربه‌فرد در تاریخ آمریکاست بگذریم، مقایسه رفتاری بیل کلینتون و جورج دبلیو بوش نمایانگر واقعیت‌های انکارناپذیری است که می‌تواند مد نظر سیاست‌سازان کشور قرار گیرد. بیل کلینتون با وجود دیوار بلند بی‌اعتمادی و مخالفت‌های جناح‌های افراطی طرفدار رژیم صهیونیستی، گام اول را برای کاهش تنش با ایران برداشت. در جریان حضور رئیس‌جمهور دوران اصلاحات در سازمان ملل تلاش کرد دیداری هرچند تصادفی با او داشته باشد. خانم مادلین آلبرایت، وزیر خارجه، به خاطر دخالت کشور متبوعش در کودتای ۲۸ مرداد و ساقطکردن دولت قانونی و ملی دکتر محمد مصدق و بازگرداندن شاه به قدرت از ایران عذرخواهی کرد، در واقعه انفجار پایگاه نظامی آمریکا در عربستان سعودی (خبر) اگر کسی غیر از بیل کلینتون در مصدر رئیس‌جمهوری بود (فردی مانند بوش پدر یا پسر از حزب جمهوری خواه) به احتمال زیاد به بهانه کشته‌شدن سربازان آمریکایی در این واقعه، در دست‌زدن به اقدامی ماجراجویانه درنگ نمی‌کرد. از یاد نبرده‌ایم که جورج دبلیو بوش در بحران حادثه تروریستی سپتامبر ۲۰۰۱ و حمله به افغانستان باوجود نقش مؤثر ایران در موفقیت آمریکا که برای اعاده حیثیت این کشور ارزشی حیاتی داشت، به‌جای تشکر از دولت اصلاحات، ایران را در لیست کشورهای محور شرارت قرار داد. در ماجرای هسته‌ای ایران در صورت استمرار حاکمیت امثال جیورج دبلیو بوش و در پرتو سیاست‌هایی که منجر به ارجاع پرونده هسته‌ای به شورای امنیت و تصویب قطع‌نامه‌های تحت فصل هفتم و ذیل موادی از این فصل که از آن آگاهی‌م شد، قطعاً سرنوشت این پرونده به گونه‌ای کاملاً متفاوت با آنچه اکنون شاهد هستیم، رقم می‌خورد. خطرات احتمالی روی کارآمدن افراد خطرناک و ماجراجویی مانند ترامپ و دکروز برای منافع ملی و امنیت ایران و تأثیرات آن در خاورمیانه (عراق، سوریه و حمایت جدی از رژیم عربستان) روشن‌تر از آن است که نیازی به بیان داشته باشد. درباره توافق تاریخی برجام نیز همان‌طور که پیش‌تر گفته شد ممکن است جمهوری خواهان نتوانند رسماً تعهدات اوپاما و توافق را لغو کنند، اما مطمئناً روش اجرا و پیکیری توافقات به گونه‌ای کاملاً متفاوت و با موانع و دست‌اندا‌زهای جدی مواجه خواهد شد. به‌یقین کاخ سفید، رئیس‌جمهوری با منش و مشی اوپاما را به خود نخواهد دید و حتی در صورت حضور افرادی از حزب او در کاخ سفید (هیلاری یا سنדרز) شرایط برای ایران بسیار متفاوت با دوران اوپاما خواهد بود. هنر ما در ماه‌های باقی‌مانده تا انتخابات در دو محور باید متمرکز شود؛ اول استفاده حداکثری از ماه‌های باقی‌مانده اوپاما و دیگر درپیش‌گرفتن دیپلماسی فعال و تأثیرگذار در حد مقدمات انتخابات. در هر دو مورد هدف، کاهش هزینه‌هایی است که در پرتو فشار لابی‌های قدرتمند صهیونیستی و عربی‌که از مدت‌ها قبل آغاز کرده‌اند، در دوران ریاست‌جمهوری بعدی بر ایران تحمیل خواهد شد. وقایع چند سال اخیر و نقش انکارناپذیر آمریکای تحت زعامت اوپاما در حل‌وفصل بحران هسته‌ای ایران، برهم‌خوردن توازن قدرت و قبول نقش ایران در منطقه از سوی آمریکا، علت اصلی حرکات دیوانه‌وار نتایج‌ها و عربستان است. ضروری است این تحولات مد نظر استراتژیست‌های کشور برای نقش‌آفرینی مؤثرتر در سال‌های پیش‌رو قرار گیرد. سیاست خارجی ایران اسلامی به‌طور اصولی باید منطبق بر شعار «نه شرقی و نه غربی» به عنوان یکی از راهبردهای عملیاتی انقلاب باشد. قرارگرفتن منافع ملی در شرایط نوبن جهان و دوران پسابرجام به عنوان شاغول روابط با قدرت‌های جهان، موضوعی است که باید به‌جد در دستور کار قرار گیرد.

ادامه از صفحه ۴

بعثت برای اخلاق

«و ایضاً علی طعام المسکین» و نیز فرمود: «مازکزارانی که مردم را از مسائل و وسایل زندگی محروم می‌کنند، وای بر آنها؛ ویل للمصلین... یمنعون الماعون. «ماعون»؛ یعنی اسباب تأمین معیشت، اینکه عصاره بعثت اخلاق است و نمی‌توان از انسانی که معاش او تأمین نیست، انتظار دین‌داری داشت؛ «الفقر کاد ان یکون کفر». در جامعه‌ای که به جای عفو و گذشت-که از مکارم اخلاق است- خشونت و برخورد -که از علائم جامعه جاهلی است- اصل شود، عبادت آن نیز بی‌روح و بی‌ثمر خواهد بود. امام علی (ع) درباره برخورد با مجرمان و گناهکاران می‌گوید: «رب ذنب مقدارُ العُقُوبَةِ عَلَیهِ إِسْلَامُ الْمُؤْمِنِ یَه؛ مقدار مجازات خیلی از جرم‌ها همین اندازه است که به آنان اعلام شود»؛ یعنی مجازات را یک اصل اولی نباید گرفت، همچنین در مکارم اخلاق به ما آموخته‌اند «لا تتبعوا عثرات المؤمنین؛ لغزش‌های مردم را پی نگیرید»؛ به تعبیر دیگر حریم خصوصی مردم را دنبال نکنید. مکارم اخلاقی یک برنامه عملی برای مؤمنان است که در جوامع اسلامی باید دیده شود.

واشنگتن- اوایل سال ۲۰۱۱؛ هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه پس از دیداری تب‌آلود از یمین در خاک سلطان نشین آرام عمان به زمین نشست. او به عمان رفته بود تا با سلطان قابوس ابن‌سعید درباره ایده‌ای صحبت کند که از سوی فرستاده سلطان قابوس در سال ۲۰۰۹، در وزارت امور خارجه آمریکا مطرح شده بود؛ اینکه عمان بتواند به عنوان مجرای برای مذاکرات مخفی هسته‌ای بین ایالات متحده آمریکا و ایران عمل کند.

خانم کلینتون این پیشنهاد را پذیرفته بود، ولی شک داشت که این اقدام راه به جایی ببرد. او بعدها نوشت: «حتی در بهترین شرایط هم این ایده دور از ذهن به نظر می‌رسد». ۱۸ ماه گذشت تا او پیشنهاد عمان را پذیرفت و تیمی از دیپلمات‌ها را برای دیدار با ایرانیان به عمان اعزام کرد.

البته خانم کلینتون تنها شخص سرشناسی نبود که در آن دوران به عمان سفر می‌کرد. سناتور، جان کری رئیس کمیته روابط خارجی مجلس سنا و کسی که بعدها به عنوان جانشین کلینتون به سمت وزارت امور خارجه منصوب شد هم دیدارهای خود را با سلطان قابوس و دستیار معتمد او «سالم‌بن ناصر» برگزار می‌کرد. سناتور کری متقاعد شده بود عمان می‌تواند ایرانیان را متقاعد کند که نماینده رهبران ارشد خود را به سوی آنها گسیل کند و بنابراین رئیس‌جمهور اوپاما و خانم کلینتون را متقاعد کرد مسیر را برای رسیدن به این هدف هموار کنند.

کری در مصاحبه‌ای گفته بود: «هیلاری و هیات او تردید داشتند». از طرف دیگر رئیس‌جمهوری برای چشم‌انداز «کانال عمانی» اشتیاق زیادی نشان داد و بارها برای کسب اطلاعات بیشتر با سلطان این کشور تماس گرفت. آن‌طور که جان کری به خاطر می‌آورد، اوپاما بسیار مشتاق بود تا به رویکردی برای پویایی بیشتر دست پیدا کند.

توافق هسته‌ای ایران که سال گذشته پس از ماه‌ها مذاکره مستقیم با مقامات ایرانی به امضا رسید، بزرگ‌ترین دستاورد دیپلماتیک اوپاما شناخته می‌شود. خانم کلینتون هم مدعی است در این مهم از خود مایه گذاشته است. [او ادعا می‌کند] تحریم‌های چندملیتی او بود که ایران را پای میز مذاکره کشاند. در واقع کلینتون دوست دارد بگوید تیمی که او در نهایت به عمان فرستاده، شرایط را برای ضیافت دیپلماتیک آقای کری فراهم آورد.

ولی پشت صحنه همه اینها، نقش خانم کلینتون بسیار پیچیده‌تر از اقداماتی است که او به صورت علنی انجام می‌داده است. مصاحبه‌هایی که او با مقامات متعدد دولت فعلی و سابق صورت می‌داده، تصویری از یک دیپلمات محتاط و دمدمی‌مزاج را ارائه می‌دهد که به نسبت اوپاما، تمایل کمتری برای مذاکره با ایران داشته و نظر خیلی مثبتی درباره آزادی دیپلماتیک کری ندارد. بعضی مقامات معتقدند تمایل او برای فرستادن تیم خودش با هدف تحت اختیارگرفتن کری بوده است. خانم کلینتون که تمایلی برای اظهارنظر درباره این مقاله نداشت، از این نظر نگران است که معتقد است کری برای کشاندن ایرانیان به میز مذاکره وعده‌های زیادی داده است؛ نگرانی‌ای که میان اهالی کاخ سفید عمومیت دارد. از سوی دیگر، مشاوران سناتور معتقدند خانم کلینتون از اینکه مذاکرات به بن‌بست برسند هم خرسند خواهد شد. همچنین دیوید وید که به این رویه بدگمان است معتقد است هر اتفاقی هم بیفتد ما باید افراد را به اتاق مذاکره بکشانیم.

جیک سالیوان، مشاور ارشد خانم کلینتون و از افراد تیمی که برای مذاکره به عمان فرستاده شدند، معتقد است او انتلافی را سازماندهی کرده است که به نحو بی‌سابقه‌ای در تحمیل تحریم‌ها مؤثر بوده و اگر به همین منوال پیش برود او قادر خواهد بود جهان را علیه ایران بشورانند. تاریخ رموز دیپلماسی هسته‌ای ایران که پیش‌تر هیچ‌گاه به آن اشاره‌ای نشده و گویای تفاوت‌های فاحش میان کلینتون و اوپامااست، به کمپین سال ۲۰۰۸ میلادی برمی‌گردد. کمپینی برای درپیش‌گرفتن رویکردی در مقابل یکی از بزرگ‌ترین دشمنان سرسخت آمریکا.

کریم سجادیور می‌گوید: آنها تاکتیک مشابهی داشتند که همان تعامل بود، ولی برای دستیابی به این تعامل بازی‌های مختلفی را در ذهن می‌پروراندند. ذهنیت رئیس‌جمهور این بود که من کسی هستم که می‌تواند میان اختلافات پل بزند. من در زندگی‌ام توانسته‌ام بین نزاهدا، کشورها و قومیت‌های مختلف پل بزم؛ پس قادر به حل این یکی هم خواهم بود.

سجادپور در ادامه می‌گوید: ولی ذهنیت کلینتون بدبینانه‌تر بود. ما به امید جریان آنها نیستیم که تن به این مذاکره می‌دهیم، بلکه معتقدیم آنها قرار است ما را رد کنند و اینجااست که ثابت می‌شود مشکل در خود تهران است و نه در واشنگتن.

بدگمانی از همان آغاز

تعداد خیلی کمی هستند که معتقدند خانم کلینتون در حرکت به سوی ایران پیشگام خواهد بود. در کمپین سال ۲۰۰۸ او مدام اوپاما را تمسخر می‌کرد که قول داده بدون پیش‌شرط با سران ایران وارد مذاکره شود. کلینتون به ایران هشدار داده اگر این توافق خطر حمله هسته‌ای برای اسرائیل داشته باشد، ایالات متحده آمریکا را از بیخ و بن باطل خواهد کرد. بااین‌حال ره‌های کانال‌های مخفی او به مشاورش دنیس بی- راس برمی‌گردد که در روز یادبود سال ۲۰۰۹ دیداری با یک ایرانی داشت. او با دسته‌ای کاغذ برگشت که حاوی پیشنهادهای ایران برای مذاکره با دولت اوپاما بود.

قاعدتا آقای راس دید مثبتی به این پیشنهادات نداشت، ولی در دهه ۱۹۹۰ متوجه ارتباطات عمیق میان ایران و عمان شده بود. او گفت تصمیم گرفته با ملاحظه این اخبار را به گوش خانم کلینتون برساند و خانم کلینتون هم به او گفته بود به صحبت‌هایش با این رابط ایرانی ادامه دهد.

چند هفته بعد مقامات ایران با اقداماتشان امیدها برای بازگردن راهی ارتباطی به سمت کاخ سفید را نقش بر آب کردند و این شد که آمریکا به جای استراتژی مذاکره با ایران، استراتژی تحمیل فشار بر آن را برگزید. خانم کلینتون با چین و سایر کشورها در شورای امنیت سازمان ملل متحد لابی‌ای شکل داد و به تحریم‌های علیه ایران شدت بیشتری داد؛ گامی که بر سرنوشت ایران تأثیر درخور توجهی داشت.

در این زمان بود که رابط ایرانی سعی کرد یک بار دیگر شانس خود را در نشان‌دادن مهارت‌هایش به عنوان یک واسطه امتحان کند. او برای آزادی سه آمریکایی که در مرزهای بین ایران و کردستان توسط نیروهای امنیتی دستگیر شده بودند، به مذاکره نشست. عمان برای هرکدام از آنها وثیقه‌ای به مبلغ ۵۰۰ هزار دلار پرداخت کرد.

در دسامبر ۲۰۱۰ چند هفته بعد از آزادی اولین آمریکایی آقای راس و یکی از سناتورهای رسمی در شورای امنیت ملی به نام پانیت تالوار به‌طور مخفیانه سفری به عمان داشتند تا درباره آینده احتمالی بازشدن این مسیر از سلطان قابوس سوالاتی کنند. آنها تحت‌تأثیر سخنان سلطان قابوس قرار گرفتند؛ اینکه او با رهبران ارشد ایران دیداری داشته و درباره جدیت ایران برای به‌سرانجام‌رسیدن توافق هسته‌ای به او اطمینان داده اند.

خانم کلینتون در ماه ژانویه سفری به مسقط، پایتخت عمان کرد تا در آنجا جلسه‌ای ترتیب دهد. او در آن جلسه درباره تردیدهایش از به‌نتیجه‌رسیدن این مذاکرات سخن گفته بود؛ ولی درعین‌حال گفته بود که حاضر است مذاکرات را امتحان کند. آقای اوپاما به نظر مشتاق‌تر می‌رسید. او در چند ماه پس از آن بارها از سلطان قابوس درباره اینکه می‌تواند با ایران صحبتی داشته باشد یا نه، سؤال کرده بود. البته کاخ سفید این مکالمات را فاش نکرده است.

پیش‌روی ودوباره عقب‌گرد
آقای کری همیشه درباره تقویت و گشودن مسیرهای ارتباطی به سوی ایران سخن گفته است و وقتی هم که موفق به آزادی سه آمریکایی شد، این شانس را قوی‌تر دید. این موضوع باعث شد او با سلطان قابوس و نماینده‌اش ارتباط برقرار کند رابط ایرانی این موضوع را تأیید کرد؛ ولی درباره نقش خود در این مکالمات چیزی نگفت. آقای کری اواخر سال ۲۰۱۱ و اوایل ۲۰۱۲ از عمان دیدار کرده و ساعت‌ها وقت را صرف بحث درباره احتمال مذاکره مخفیانه با ایران کرده است. او همچنین بارها با رابط ایرانی در لندن و رم و البته گاهی هم واشنگتن دیدارهایی داشته است. بعدها با مذاکره‌ای که به تهایی با آقای اوپاما داشت، به او گفت که تنها راه آزمایش این پتانسیل دیدار ایرانی‌هاست.

وزارت امور خارجه و شورای امنیت ملی بارها بدون رسیدن به نتیجه، به بررسی این موضوع پرداخته بودند.



عکس Reuters

آقای کری در ادامه پافشاری‌هایش برای شروع مذاکرات از طریق [رابط ایرانی] پیام‌های متعددی را به تهران گسیل کرده بود. سناتور نقطه‌نظرات خود را با مشاور امنیت ملی اوپاما، توماس‌ای دانیلون که ارتباط نزدیکی هم با هم داشتند، مطرح کرده بود؛ ولی رویکرد تهاجمی‌اش برای خانم کلینتون و سایر اعضای حاضر در کاخ سفید مثل زنگ خطر بود. آنها نگران بودند که کری امتیاز غنی‌سازی اورانیوم را در اختیار ایران قرار بدهد؛ درحالی‌که هنوز کاخ سفید مشتاق به این کار نبود.

مقامات رسمی می‌گویند آقای کری در ابتدای صحبت‌ها به ایرانیان می‌گوید که ایالات متحده آمریکا درک می‌کند که ایران برای اهداف صلح‌آمیز، حق غنی‌سازی اورانیوم را دارد. ایران از مدت‌ها پیش خواستار این حق شده و ادعا کرده بود که مطالبه آنها توسط پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای تضمین شده است؛ ولی ایالات متحده در آن زمان این پیشنهاد را رد کرده و در حال ارزیابی موضوع بودند.

آقای کری به‌شدت این موضوع را رد می‌کند که به ایران حق غنی‌سازی اورانیوم را داده است. او می‌گوید: این موضوع را به طور کامل برایشان روشن کرده‌ایم.

اما درعین‌حال به این موضوع هم اشاره می‌کند که در این زمان بود که رابط ایرانی سعی کرد یک بار دیگر شانس خود را در نشان‌دادن مهارت‌هایش به عنوان یک واسطه امتحان کند. او برای آزادی سه آمریکایی که در مرزهای بین ایران و کردستان توسط نیروهای امنیتی دستگیر شده بودند، به مذاکره نشست. عمان برای هرکدام از آنها وثیقه‌ای به مبلغ ۵۰۰ هزار دلار پرداخت کرد.

در دسامبر ۲۰۱۰ چند هفته بعد از آزادی اولین آمریکایی آقای راس و یکی از سناتورهای رسمی در شورای امنیت ملی به نام پانیت تالوار به‌طور مخفیانه سفری به عمان داشتند تا درباره آینده احتمالی بازشدن این مسیر از سلطان قابوس سوالاتی کنند. آنها تحت‌تأثیر سخنان سلطان قابوس قرار گرفتند؛ اینکه او با رهبران ارشد ایران دیداری داشته و درباره جدیت ایران برای به‌سرانجام‌رسیدن توافق هسته‌ای به او اطمینان داده اند.

خانم کلینتون در ماه ژانویه سفری به مسقط، پایتخت عمان کرد تا در آنجا جلسه‌ای ترتیب دهد. او در آن جلسه درباره تردیدهایش از به‌نتیجه‌رسیدن این مذاکرات سخن گفته بود؛ ولی درعین‌حال گفته بود که حاضر است مذاکرات را امتحان کند. آقای اوپاما به نظر مشتاق‌تر می‌رسید. او در چند ماه پس از آن بارها از سلطان قابوس درباره اینکه می‌تواند با ایران صحبتی داشته باشد یا نه، سؤال کرده بود. البته کاخ سفید این مکالمات را فاش نکرده است.

پیش‌روی ودوباره عقب‌گرد
آقای کری همیشه درباره تقویت و گشودن مسیرهای ارتباطی به سوی ایران سخن گفته است و وقتی هم که موفق به آزادی سه آمریکایی شد، این شانس را قوی‌تر دید. این موضوع باعث شد او با سلطان قابوس و نماینده‌اش ارتباط برقرار کند رابط ایرانی این موضوع را تأیید کرد؛ ولی درباره نقش خود در این مکالمات چیزی نگفت. آقای کری اواخر سال ۲۰۱۱ و اوایل ۲۰۱۲ از عمان دیدار کرده و ساعت‌ها وقت را صرف بحث درباره احتمال مذاکره مخفیانه با ایران کرده است. او همچنین بارها با رابط ایرانی در لندن و رم و البته گاهی هم واشنگتن دیدارهایی داشته است. بعدها با مذاکره‌ای که به تهایی با آقای اوپاما داشت، به او گفت که تنها راه آزمایش این پتانسیل دیدار ایرانی‌هاست.

پشت پرده مذاکره محرمانه ایران و آمریکا در عمان

ترجمه: مونس نظری

که همواره حق ایران در داشتن یک چشم‌انداز هسته‌ای صلح‌آمیز را به رسمیت می‌شناسد، در ضمن او نسبت به تندرهای اسرائیل و ایالات متحده آمریکا که معتقدند ایران باید زیرساخت‌های هسته‌ای‌اش را به کلی برجپند، بی‌اعتناست.

در جو شکسته سال ۲۰۱۲ به عقیده مقامات جهت‌گیری روبه‌جلو کری به عنوان یک مسئولیت شناخته شد و خانم کلینتون و اوپاما نگران بودند اقدامات وی نه خودسرانه، بلکه از سوی رئیس‌جمهور آمریکا تلقی شود.

در بهار بود که اوپاما تصمیم گرفت قوای مجریه مسئولیت مذاکرات را برعهده بگیرند و آقای کری هم مخالفتی نکرد؛ درحالی‌که معتقد بود به‌عنوان یک سناتور هر کاری که از دشتش برمی‌آمده، انجام داده است. وی سه سال بعد به‌عنوان وزیر امور خارجه هفته‌ها رهبری مذاکره‌ای را برعهده داشت که به توافقی نهایی منجر شد.

خانم کلینتون پس از ترک سمت وزارت امور خارجه از اوپاما یک سؤال تاکتیکی پرسید. اینکه آیا باید پس از روی کارآمدن حسن روحانی (که خواستار بهبود روابط با غرب بود) علیه ایران تحریم‌های تازه‌ای را اعمال کرد یا نه. خانم کلینتون تحت‌تأثیر افراد زیادی در کنفره قرار داشت؛ از جمله بنیامین نتانیاهو که معتقد بود سفت‌کردن کمربندها و اعمال فشارهای بیشتر علیه ایران نتایج بهتری را در پی خواهد داشت. شخصی که سال‌ها با خانم کلینتون کار کرده، معتقد است که او دوباره می‌تواند آنها را تحت فشار بگذارد. اوپاما نگران بود که تشدید تحریم‌ها زیر پای طرف مقابل را خالی کرده، نیروی‌های او را تضعیف کند و مذاکرات را با سرنوشت بدی مواجه کند؛ بنابراین سناتور را متقاعد کرد که فعلاً از اعمال تحریم‌های جدید جلوگیری کند. رویکردهای خانم کلینتون تفاوت بسیاری با اوپاما دارد و او هنوز تحت‌تأثیر آموزه‌هایی است که از رئیس سابقش دریافت می‌کرده است.

خانم کلینتون اکتبر سال گذشته اعلام کرده بود که بله‌گفتن به این توافق تمام راه‌حل نیست. باید بله را از روز اول شرایط را به‌گونه‌ای مهیا کرد که ایران فکر تولید سلاح هسته‌ای را هم از ذهن بیرون کند.

منبع: نیویورک تایمز

نگاهی به الزامات

پرطرف‌دارترین کمیسیون

او می‌افزاید: «از طرف دیگر امنیت داخلی، آزادی مطبوعات و رسانه‌ها و احزاب و حقوق شهروندی از موضوعاتی است که کمیسیون امنیت مجلس نهم به آن نپرداخته و بهتر است به آن ورود شود». علی تاجرینا، از اعضای کمیسیون امنیت مجلس ششم هم با اشاره به اینکه «در کمیسیون امنیت مجلس نهم طرح‌هایی به تصویب رسید که موجب تضعیف امنیت ملی بود یا گزارش‌های محرمانه‌ای نشر کرد که نباید منتشر می‌شد»، ابراز عقیده می‌کند: «چون امنیت داخلی و خارجی جزء مباحث حاکمیتی است، به همین دلیل باعث می‌شود کمترین تعارض بین مواضع کمیسیون و نهادهای ذی‌ربط در دولت و شورای‌عالی امنیت ملی شکل بگیرد». او یادآور می‌شود: «اما در مجلس نهم موضوع امنیت ملی به‌راحتی به یک مسئله جناحی تبدیل شد و نمایندگان در مباحث مهم و کلان اظهارنظر جناحی می‌کردند. حتی در موضوع برجام، این معاهده با معاهدات تنگین دوره‌های گذشته مقایسه می‌شد و توانمندی‌های جمهوری اسلامی از تریبون‌ها به چالش کشیده شد». این نماینده اسبق مجلس در مورد چشم‌انداز کمیسیون امنیت ملی مجلس آینده می‌گوید: «آنچه در مجلس دهم مهم است، این است که اولاً نگاه سخت‌افزاری به مقوله امنیت ملی جای خود را به مقوله نرم‌افزاری دهد و این‌گونه نباشد که قدرت نظامی و تسلیحاتی صرفاً مبنای سنجش قدرت قرار گیرد. براین اساس سیاست خارجی و تعامل باید تقویت شود. همچنین باید نگاه به سیاست داخلی و دفاع از نقش مردم در حاکمیت تقویت شود». او ابراز عقیده می‌کند: «باید اعضای کمیسیون امنیت ملی منافع مردم را حفظ و به قوانینی مثل آزادی احزاب و رسانه‌ها و انتخابات بازنخانی و نقاط قوت آن را تقویت کنند و البته شرایط جامعه و ظرفیت نهادهای مخالف را هم در نظر بگیرند. در مسیر توسعه باید کام‌به‌کام قدم برداشت و به آن به‌عنوان پروسه و نه یک پروژه نگاه کرد». از برابند این سخنان چنین برمی‌آید که کمیسیون امنیت مجلس دهم را طبیعتاً نمایندگانی باید تشکیل دهند که بتوانند هم دولت را در مسیر اجرایی‌شدن برجام همراهی کنند و هم به موضوع امنیت داخلی و سیاست داخلی که سال‌های گذشته در برخی مواقع مغفول مانده، توجه بیشتری داشته باشند.

IEON
Café



کافه لئون
نارون

کیت‌رینگ و سفارشات بیرون بر
CATERING & DELIVERY

نیاوران - مرکز خرید نارون - طبقه همکف

۲۶۱۰۳۸۱۱

www.leon1960.com
/LEONSINCE1960